

روزنه

رئیس قوه قضائیه خواستار شد نظارت بر بازداشتگاه‌ها، کلاتری‌ها و دادسراها

● دادایران: آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قضائی تصریح کرد: مدیریت بدون نظارت معنا ندارد، خصوصا بخش‌های مختلف اجرایی که امروز در خط مقدم مبارزه با فساد و ناهنجاری هستند باید نظارت را جدی بگیرند. در دستگاه قضائی نیز تاکید ما بر نظارت هرچه بیشتر بر تحت‌نظرگاه‌ها، بازداشتگاه‌ها، کلاتری‌ها و دادسراهاست، زیرا این مراکز مهم، بیشتر با آحاد جامعه سروکار دارند و بر همین اساس دارای اولویت هستند. رئیس قوه قضائیه با تاکید بر لزوم اجرای هرچه بهتر قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی افزود: نظارت به‌هیچ‌عنوان به معنای بی‌اعتمادی نیست، بلکه به معنای تضمین اجرای قانون و تداوم اعتماد است. بر این مبنا، هرگز نباید نظارت را مزاحمت، ایجاد مانع یا مچ‌گیری تلقی کرد. اصل نظارت برای صیانت از افراد است و این نظارت نیز در وهله اول برعهده مدیران قرار دارد. رئیسی در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت پایدنی شرکت‌ها به تعهدات خود و حقوق مردم تاکید کرد و گفت: اگر سازمانی به خود اجازه دهد که تعهدش نسبت به مشتری را به صورت یک‌طرفه نقض کند، درواقع مرتکب نقض حقوق عامه شده است؛ مثلا فرض کنیم یک شرکت خودروسازی متعهد شده است که خودرو را با قیمت مشخص در زمان مشخص به مشتری تحویل دهد. اگر به صورت یک‌طرفه تغییر دهد، اقدامش خلاف حقوق عامه است. آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی همچنین در دیدار فائق زیدان و هیئت همراه، با بیان اینکه مناسبات ایران و عراق صرفا محدود به همسایگی نیست، با اشاره به توسعه مناسبات بین ایران و عراق در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، بر ضرورت گسترش روابط قضائی دو کشور تاکید کرد و افزود: تبادل تجربیات میان دستگاه قضائی دو کشور می‌تواند بسیار مؤثر باشد.رئیسی در بخش دیگری از این دیدار اظهار کرد: ما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به فرموده امام خمینی (ره) و اسام خامنه‌ای، تمام رسیدگی‌هایمان بر اساس فقه و آموزه‌های دینی است؛ به‌نحوی‌که دادگستری ما امروز مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی است. بسیاری از دشمنی‌های دشمنان با ما نیز به‌خاطر همین عمل‌کردن به احکام اسلام است و ما معتقدیم نجات انسان‌ها در گرو اجرای احکام اسلامی است. رئیس قوه قضائیه، قضای اسلامی را در جایگاهی برتر دانست و تصریح کرد: این به معنای عدم استفاده از تجربیات کشورها نیست، بلکه بسیاری از روش‌های نو مورد توجه ماست. چنان‌که مراکز پژوهشی و علمی در کنار قوه قضائیه داریم که از آخرین یافته‌های علمی و حقوقی دنیا بهره می‌گیریم. رئیسی در ادامه، موفقیت ملت عراق را به مثابه موفقیت ملت ایران دانست و خاطرنشان کرد: امروز پیروزی عراق در مقابل جریان دست‌ساخته آمریکا و صهیونیست به نام داعش، باعث خرسندی همگان است. زمین‌گیر ساختن این گروه تروریستی و امنیت عراق را مرهون مقاومت ملت بزرگ این کشور می‌دانیم و این امر موجب مباهات همه مسلمانان، از جمله ملت ایران است.

عبدالواحد موسوی‌لاری:

اقدامات فاجعه‌بار و غیرموجه در کوی دانشگاه

● وزیر کشور دولت اصلاحات در نامه‌ای خطاب به رئیس سازمان صداوسیما، با کذب خواندن سخنان سردار نظری در برنامه شبکه افق، خواستار انعکاس نامه خود در «برنامه‌ای مشابه» در همان شبکه شد. به گزارش «جماران»، متن نامه سید عبدالواحد موسوی‌لاری در پی می‌آید: «باست محترم سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی آقای دکتر علی‌عسگری، با سلام و تحیات، با کمال تأسف و تعجب مطلع شدم در شبکه افق آن سازمان در برنامه‌ای در تاریخ ۱۸ تیر ۹۸ به مناسبت سالگرد وقایع ۱۸ تیر ۱۳۷۸ کوی دانشگاه تهران با حضور آقای زاکانی و تماس تلفنی آقای فرهاد نظری، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، به‌طور یک‌سویه برخی سخنان کذب و خلاف واقع توسط فرد اخیرالذکر مبنی بر دستور این‌جانب جهت ورود به کوی و برخورد با دانشجویان مطرح و تلاش شد تا اقدامات غیرموجه و فاجعه‌بار عوامل حادثه توجیه و بر آثار زیان‌بار تعرض به دانشجویان سربوش گذاشته شود. این‌جانب ضمن اظهار تأسف از این سقوط اخلاقی انتظار دارم طبق مقررات و قوانین موضوعه کشور در برنامه‌ای مشابه از طریق همان شبکه این نامه را به سمع مخاطبان خود برسانید. انصاف خواهد داد که برنامه‌هایی از این قبیل وجهه صداوسیما را بیش از پیش ملوک‌نوده بر بلندی دیوار بی‌اعتمادی عامه مردم نسبت به این‌س سازمان می‌افزاید. صداوسیمای جمهوری اسلامی نباید تریبونی برای تحریف تاریخ، ترویج دروغ و نشر اکاذیب باشد. خداوند عاقبت همه ما را ختم به خیر کند».

بر کسی پوشیده نیست که اصلاح‌طلبان در دو دهه اخیر از طیفی از جامعه سیاسی بودند که تاوان بسیاری برای تصمیمات سیاسی برداختند. اما این طیف همواره خود را در نسبت با قدرت تعریف کرده، چشم به دولت داشته و می‌توان گفت وجه غالب آنان نسبت سببی با قدرت دارند. حمیدرضا جلیایی‌پور استاد دانشگاه و اصلاح‌طلبی است که همچنان از قفتمان اصلاح‌طلبی دفاع می‌کند و فراتر از آن، راه نجات کشور را پذیرش اصلاحات می‌داند. او معتقد است ما حداقل دو نوع اصلاح‌طلبی داریم، یکی همین اصلاح‌طلبانی که از خلل و فرج موجود استفاده می‌کنند و به‌عنوان اعضای حلقه سوم و چهارم اصلاح‌طلبان در انتخابات شرکت می‌کنند و صندلی‌هایی را کسب می‌کنند و دیگری اصلاح‌طلبانی که هدف‌شان از حضور در صحنه سیاست فقط کسب صندلی نیست بلکه به پیشبرد دموکراسی در جامعه فکر می‌کنند و ناگزیر ممکن است به‌جای صندلی سروکارشان به زندان هم بیفتد! پس این اوصاف، وضعیت رخنوتاک سیاسی نشان می‌دهد روز به روز اعتماد مردم به جناح‌های سیاسی موجود کاهش پیدا کرده است. در این میانه پرسش اینجاست که چه کسانی در بی‌اعتمادی مردم نقش دارند و مشکلات معیشت مردم را چه کسانی باید رفع و رجوع کنند و جناح‌های سیاسی و مجلس که بخش بزرگی از آن اصلاح‌طلبان است چه کار ویژه‌ای انجام داده‌اند.

❧ سیاست به معنای رایج آن بسا اکثریت مردم سروکار دارد. از نظر دولت‌ها اقلیت مردم در سیاست چندان تعیین‌کننده نیستند. از این‌رو تصمیماتی که در حوزه سیاست گرفته می‌شود اغلب خیر عمومی را در نظر دارد. این رویکرد موجب شده گاه اقلیت‌های جامعه احساس ناایرایی کنند. ادراک این نابرابری توان ضاعفانی به این گروه می‌دهد تا در پی احقاق حق خود باشند. تلاش اقلیت به لحاظ کیفی اثر عمیقی در سیاست دارد. در طول تاریخ هم اقلیت بوده که در تغییرات سیاسی نقش مهمی ایفا کرده است. اقلیت‌هایی که کم‌کم اکثریت شده‌اند. با این وجود سیاست همواره اکثریت را مورد خطاب قرار می‌دهد که در شکل فراطی‌اش از آن به‌عنوان رفتارهای پوپولیستی یاد می‌کنیم. بدیهی است منظورم از اقلیت، صرفا اقلیت قومی و دینی نیست. در اینجا این پرسش مطرح است که نقش اقلیت و اکثریت در رخدادهای سیاسی و اجتماعی چیست؟ دیگر آنکه تصمیمات بهنگام و نابهنگام چه تأثیری بر این طیف‌ها دارد؟

امروزه در حکمرانی و سیاست هم اقلیت مهم است و هم اکثریت. در یک جامعه دموکراتیک نیرویی که در انتخابات شکست می‌خورد خودش یک پایه سیاست و حکمرانی است. چون این نیرو پس از شکست در انتخابات مجلس، یا احزاب یا در سایر نهادهای مدنی نقش «ناقد» دولت حکم را بازی می‌کند و چه بسا این اقلیت شکست‌خورده بتواند در انتخابات بعدی پیروز شده و به اکثریت تبدیل شود. به بیان دیگر دموکراسی راهی است که شما از طریق آن از تعارضات جامعه (مثل تعارض اقلیت و اکثریت) استفاده مثبت در اداره جامعه می‌کنید.

حالا در ایران ما یک «مشکل غامض» داریم که در حال کهنه و بدتر شدن است. هسته‌ای که پس از انقلاب در سیاست رسمی ایران شکل گرفته به رعایت «کامل» قواعد دموکراتیک در رقابت میان اقلیت و اکثریت اعتقادی ندارد ولی دوست دارد «به نام اکثریت و به نام مردم و دموکراسی» حکومت کند. به بیان دیگر آن بلوک قدرت خود عملا یک «اقلیت» است و بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بین مردم پایگاه دارد ولی سعی می‌کند خود را با انجام «انتخابات با مشارکت محدود» به‌عنوان نماینده همه مردم جا بیندازد. بنابراین در ایران به‌طور واقعی یک اقلیت شکست‌خورده در انتخابات نیست بلکه اکثریتی است که به درستی در سیاست رسمی ایران نمایندگی نمی‌شود و همین نیرو است که جامعه ایران را به یک جامعه مطالباتی و جنبشی تبدیل کرده است. این مشکل کهنه باعث شده ایران در توسعه همه‌جانبه و پایدار درجا بزند و به اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ساله نرسد.

❧ حرف‌هایتشان به طور کلی با توجه به شرایط کنونی کشور، خاصه قبل از برگزاری انتخابات مجلس سال ۹۷ و انتخابات ۱۴۰۰ درست است. اما شما بهتر می‌دانید بالاخره حکومت در دوم خرداد ۷۶ تصمیم بهنگامی گرفت و با تصام تعارضاتی که جناح‌های مخالف با آقای خاتمی داشتند، دولت اصلاحات روی کار آمد. این تصمیم بهنگامی بود. گیرم که بعد از آن مخالفان چوب لای چرخ دولت گذاشتند و بسیار مانع‌تراشی کردند. اما نمی‌توان انکار کرد که دولت هاشمی (سازندگی) هشت سال در رأس کار بود و دولت اصلاحات هم هشت سال دیگر و دولت روحانی نیز در انتهای هشت‌ساله خود است. این دولت‌ها در همین شرایط با رای مردم روی کار آمده‌اند؛ آن هم نه از آن شکنده، بلکه با رای قابل دفاع در داخل و خارج. به‌نظرم اگر نگاهی همه‌جانبه به مسائل سیاسی ایران نداشته باشیم، دچار ضعف تحلیل خواهیم شد. پاسخ شما در عین درست‌بودن، نکات مبهم و ناگفته بسیاری دارد. در هر صورت سابقه تاریخی شما به‌عنوان یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب، یک استاد دانشگاه عمل‌گرا و مهتر از همه یک روزنامه‌نگار، این انتظار را به وجود می‌آورد. شما حتما تئوری حذف و ادغام را می‌شناسید؛ کاری که اصلاح‌طلبان ناخواسته در کنار دستگاه دولت انجام داده‌اند. اکثریت چگونه اقلیت می‌شود و اصلاح‌طلبان چه در قدرت و چه بیرون از قدرت چه نشانی در این اقلیت‌سازی داشته‌اند؟

درست است. ولی ببینید کجای حرف شما می‌تواند

سیاست



عین‌الله سیدرضا جلیایی

گفت‌وگوی احمد غلامی با حمیدرضا جلیایی‌پور

حرف مخالفان این است اصلاحات بی‌اصلاحات

درست باشد. اکثریت مردمی که شما می‌فرمایید در انتخابات هاشمی، خاتمی و روحانی تعیین‌کننده بودند، روی چه مقدار از قدرت نظام سیاسی مؤثر بودند؟ روی یک‌چهارم قدرت و تصمیم‌گیری مؤثر بودند. قدرت کجاست؟ قدرت در قوای نظامی، در قوای اطلاعاتی، در مؤسسات بزرگ تبلیغاتی و فرهنگی مثل صداوسیما و در هلدینگ‌های بزرگ اقتصادی و غیردولتی و قدرت در تعیین سیاست خارجی است. بنابراین بازی قانون‌مند اکثریت و اقلیت در جایی است که با رای اکثریت مردم قدرت به نمایندگان اکثریت واگذار می‌شود تا در پی احقاق دیگر و انتخابات دیگر. شما دیدید برجام تا امضا شد هنوز جوهرش خشک نشده بود عده‌ای راه افتادند و سفارت عربستان را آتش زدند. برجام امضا شد و بعد گفتند ما با آمریکایی‌ها کار اقتصادی نمی‌کنیم. سیاست خارجی آمریکااستیز که سیاست خارجی منتخبان مردم نبود.

❧ آقای دکتر، نمی‌خواهم منه به خشکاخ بگذارم، اما واقعا شما همه مشکلات را به مفهوم کلی به نهادهای رسمی کشور نسبت می‌دهید. بعد از گذشت نزدیک به دو دهه از دولت اصلاحات الان دیگر این‌گونه قضاوت نزد مردم مقبولیت ندارد. اگر تصمیمات نابهنگامی گرفته شده کسانی که در برابر آن تصمیمات حتی سکوت کرده‌اند

پس با مصلحت‌اندیشی سخن گفته‌اند، به یک اندازه پاسخ‌گو هستند. لطفا تصویری دقیق از وضعیت کنونی بدهید، تصویری هم از موقعیت اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در سیاست. از اشتباهات استراتژیک‌شان بگویید. انتظار دارم از اشتباهات محوری دولت آقای هاشمی تا روحانی بگویید البته بدون برون فکنی.

درست می‌فرمایید. پدیده‌های سیاسی-اجتماعی (در اینجا وضع کنونی کشور) پدیده‌های تک‌علتی نیستند. ولی علتی که در بالا اشاره کردم، یک علت اساسی برای توضیح نقیاط ضعف کنونی است. نمی‌شود از کنار این علت گذشت و تحلیل سیاسی کرد. مردم و همان اکثریت که در ۲۰ سال گذشته رای دادند، از کجا ضدروحیه دریافت کردند؛ وقتی جریانی در برابر رای مردم مقاومت کرد و نگذاشت مردم احساس موفقیت از رایسی که دادند کنند. حالا می‌فرمایید مردم این‌نظر و ارزیابی من را قبول نمی‌کنند. ولی این باعث نمی‌شود که ما در ارزیابی وضع موجود به علت‌های اصلی اشاره نکنیم و بگوییم ان‌شاءالله گریه بود. این یک وضعیت خود تخریب‌کنندگی را به‌وجود آورده است و کشور از حیث توسعه درجا می‌زند و این عارضه باید درمان شود و یک تحلیلگر صادق نباید چون مردم دوست ندارند بشنوند، موضوع را لاپوشانی کند. اما در نقد به گذشته، من از دهه اول شروع می‌کنم. البته این نقد من ممکن است از زمان‌پیشی یک مقدار رنج ببرد ولی نقد من معطوف به عبرت‌گیری برای آینده است. اول اینکه در دهه اول اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان خط امام برای دو تا سه روز قابل تحمل بود و نگهداری دیپلمات‌های یک کشور برای بیش از یک سال یک ضربه اساسی و جبران‌ناپذیر به منافع ملی بود. دوم اینکه تداوم جنگ پس از آزادسازی خرمشهر قابل تأمل است. مسئله سوم بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ با عجله بود. در دوره آقای هاشمی واردکردن سپاه و وزارت اطلاعات به امور اقتصادی خطای بزرگی بود، اینکه آقای هاشمی تمرکز را بر توسعه اقتصادی دادند و سپهر فرهنگ و سیاست داخلی را خارجی را در حاشیه قرار دادند و کار به میکونوس رسید، یک خطای بزرگ بود. در دوره خاتمی در مجموع کارنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور خوب بود. اما شخص خاتمی سازماندهی سیاسی را دست‌کم گرفت و اینکه نیروهای حامی خاتمی در سال ۸۴ با چند کاندیدا وارد مبارزات انتخاباتی شدند و انتخابات را به احمدی‌نژاد واگذار کردند. این خطا بود. در دوره روحانی دو خطای عمده رخ داد؛ اول اینکه او به «برجام» اکتفا کرد و در برابر خطی که سفارت عربستان را آتش می‌زد، عقب نشست. خطای دوم روحانی این‌بود که در دور دوم انتخابش با پایگاه ۲۴ میلیون رایش قطع ارتباط کرد و به‌جای اینکه به معاون اولش برای هدایت اقتصادی قدرت بدهد از افراد معمولی استفاده کرد. به بیان دیگر روحانی به سرمایه اجتماعی انتخاباتی‌اش پشت کرد و ظرفیت اینکه این کار روحانی به چشم دولت موازی نیامد.

قصه اصولگرایان که قصه دیگری است. ما تقریبا ۲۰ سال است که به‌طور واقعی اصولگرا نداریم. اصولگرا یعنی نیروی ارزشی و نیروی منکی به مردم. اصولگرایان

برخی که بیرون قدرت‌اند و تعدادشان اندک است مشارکت‌کردن را مطرح می‌کنند و بساز در این میان کسانی همچون سعید جباریان مشارکت مشروط را پیشنهاد می‌دهند و بساز در این طیف بهزاد نبوی حامی ایده مشارکت حداکثری در انتخابات است. به نظر شما این آشوب دیدگاه‌ها از کجا نشئت گرفته است و از آن چه بیرون خواهد آمد؟ تاریخ سیاسی اصلاح‌طلبان نشان داده در بزنگاه‌ها به مصلحت‌اندیشی روی آورده‌اند. شاید همین مصلحت‌اندیشی اصلاح‌طلبان را به این وضعیت رخنوتاک دچار کرده است. به نظر شما مرز مصلحت‌اندیشی و پافشاری بر اصول کجاست؟

در پاسخ به سؤالاتن سه نکته خدمتان عرض می‌کنم. اول اینکه تقسیم‌بندی شما درباره اصلاح‌طلبان دقیق نیست. مثلا جناب بهزاد نبوی اصلاح‌طلب راسخی است که در قدرت نبوده و نیست اما مردم را به شرکت فعال در انتخابات اسفند ۱۳۹۸ دعوت می‌کند. دوم اینکه در میان اصلاح‌جویان در ایران که نیرویی بزرگ‌تر از نیروی اصلاح‌طلبان است و در میان نیروهای سیاسی جبهه اصلاحات «آشوب» نیست بلکه تفاوت در تحلیل از شرایط است. بر این اساس یعنی بر اساس تحلیل متفاوت از شرایط الان در میان اصلاح‌جویان سه گرایش هست. یک گرایش کسانی هستند که مشکلات کشور را ساختاری می‌دانند، تداوم نظارت استصوابی را راهگشا نمی‌دانند و شرکت بی‌قیدوشرط را در انتخابات با نظارت حداکثری به صلاح نمی‌دانند. ما باید طرف مطالبات اصلی مردم را بگیریم. به بیان دیگر این‌گرایش به مطالبات جمعیت بیش از ۷۰ درصد منتقد کار دارد. گرایش دوم، گرایشی است که نگران وحشی‌گری ترامپ و «گروه B» برای تمامیت و امنیت کشور هستند و به همین دلیل مثل دوره اصلاحات به سیاست داخلی و خارجی ایران نقد وارد نمی‌کنند و بیشتر مقامات را به پیروی از دیپلماسی مبتنی بر منافع ملی و مذاکره برای حل بحران‌ها دعوت می‌کنند. آنها همه قوای کشور را در خدمت دیپلماسی می‌خواهند.

گرایش سوم، گرایشی نستوه مانند همین بهزاد نبوی است که لزوما در برابر گرایش یک و دو نیست. این گرایش اهل ناامیدی نیست، دنبال این است که با «بتسکار عمل و پشتکار» و با کمک جامعه مدنی و دولت، در کشور ایجاد وضعیت کند و برای مهم‌ترین مسائل کشور فعال باشد؛ یکی مسئله سیاست خارجی است. دیگری مسائل عدالت اجتماعی و اقتصادی و دیگری انتخابات ۹۸ است یا مسائل دیگر. بنابراین برخلاف نظر شما، ما اینجا با «آشوب» روبه‌رو نیستیم؛ این‌گونه است، آنان که در قدرت‌اند، توصیه به

دولت، در کشور ایجاد وضعیت کند و برای مهم‌ترین مسائل کشور فعال باشد؛ یکی مسئله سیاست خارجی است. دیگری مسائل عدالت اجتماعی و اقتصادی و دیگری انتخابات ۹۸ است یا مسائل دیگر. بنابراین برخلاف نظر شما، ما اینجا با «آشوب» روبه‌رو نیستیم؛ بلکه با تفاوت تحلیل روبه‌رو هستیم.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۰۲۶۰۸۸۶۴۰sharghline@sharghdaily.irپایک، ۰۰۰۴۶۹۹

● بهداشت در میدان شوش پُرآ بهداشت در میدان شوش توسط فروشندگان مواد غذایی به فراموشی سپرده شده است. نبود نظارت از سوی مسئولان وزارت بهداشت باعث سوءاستفاده برخی مغازه‌داران این محل شده است. لطفا این پیام را چاپ کنید، بلکه رسیدگی کنند.

معجد صادقی

● مشکل تهیه عینک و رسیدگی به دندان‌ها: شاید باورتان نشود حقوق‌ها ششدرغاز افزایش یافت و قیمت انواع اجناس و مایحتاج-عینک و شیشه آن و رسیدگی به دندان‌ها چندبرابر گران شد. در نتیجه این گرانی‌ها بودجه لازم برای خرید عینک یا تعویض شیشه‌های آن و رسیدگی به دندان‌هایم را ندارم، به‌طوری‌که مجبورم غذای نجویده قورت دهم و با شیشه افتضاح سازم! بیمه تأمین اجتماعی‌ام، اما چه فایده که هزینه‌ها آزاد است و قدرت پرداخت ندارم. تکلیف من و بقیه بیماران چیست؟

علی‌اکبر از تهران

● عرضه غذا در وضع غیربهداشتی: عرضه غذا در خیابان‌های سی تیر و باب‌همایون تهران در وضعی اسفبار و غیربهداشتی انجام می‌شود. وقتی غرقه‌ها آب تصفیه‌شده ندارند، آیا بهداشت رعایت می‌شود؟ شهرداری فقط به فکر دریافت اجاره‌های سنگین است، اما به فکر لوله‌کشی آب و تأمین آب نیست!

نکین

● شهرداری منطقه ۶ رسیدگی کند: شهرداری منطقه ۶ تهران قسمتی از پل آهنی ایستگاه اتوبوس شهید مفتح را جمع‌آوری کرده و آن قسمت را که نیاز به تعمیر دارد رها کرده است. از شهردار منطقه ۶ تقاضای رسیدگی داریم.

مهدی معینیان

● چرا قیمت‌ها متفاوت است؟ قیمت لوازم خانگی یا مایحتاج عمومی در هر مغازه متفاوت است. آیا دولت فرصت یکسان‌سازی قیمت‌ها را ندارد؟

● کودکان چگونه بیمار نشوند؟ گرانی باعث شده خانواده‌ها قدرت خرید گوشت، ماهی و میوه نداشته باشند. کودکان رو به رشد با این‌س گرانی‌ها تغذیه خوبی ندارند. چه کسی مسئول بیماری آنها به دلیل گرانی و تغذیه ناسالم آنهاست؟

معین براتی

آسیاتل تلفن ثابت نسل نو

امکان مکالمه توسط تلفن همراه